

جامعه شناسی حقوق
جلسه ششم: جنایت و مکافات

مجید محمدی

تمرکز بر موضوع اعدام

- بخش دو صحنه از فیلم کیشلوفسکی

https://www.youtube.com/watch?v=SNYwz_pEA8rU

- به نام

Krzysztof Kieślowski - The Decalogue -
Decalogue V

- Thou shall not kill

تمرکز بر موضوع اعدام

- فیلم کامل را می‌توانید در یوتیوب مشاهده کنید.
- دقایق ۲۲ تا ۲۵ و صحنه‌های کشتن راننده تاکسی، والدمار ریکووسکی
- دقایق ۴۹ تا ۵۴، اعدام جاسک لازار
- مراحل قانونی طی شده و او مجرم است.

میزان اعدام‌ها

- ایران با حداقل ۳۴۶ مورد اعدام در سال ۲۰۰۸ و بعد حدود ۷۰۰ اعدام در سال ۲۰۱۳ دومین کشور از حیث تعداد اعدام‌های سالیانه پس از چین بود، در حالی که از لحاظ جمعیتی از هند، ایالات متحده، پاکستان، روسیه، نیجریه، اندونزی، برزیل و بسیاری از دیگر کشورها جمعیت کمتری دارد و جمعیت آن در حدود جمعیت ده‌ها کشور مثل ترکیه و مصر و آلمان و فرانسه و انگلستان است.

چرا اعدام؟

- چرا حکومت جمهوری اسلامی تا این حد بر حکم اعدام حتی اعدام کسانی که در سنین کودکی و نوجوانی مرتکب جرم شده‌اند (هشت مورد در سال ۲۰۰۸) و اعدام در ملا عام تاکید دارد؟ مبانی فکری و عملی رژیم برای ارتکاب این همه قتل توسط حکومت چیست؟

مبانی نظری پذیرش و اجرای حکم اعدام

- اعدام تنبیهی غیر قابل بازگشت و غیر قابل جبران است. جرایم مالی و حتی زندانی کشیدن افراد بی گناه را می توان با بازپرداخت مالی تا حدی جبران کرد اما اعدام جبران ناپذیر است. از این حیث بسیاری از جوامع به دلیل اشتباهات مکرر در این مورد به این نتیجه رسیده اند که این مجازات را ملغی سازند (حدود ۱۲۰ کشور).

مبنای نظری اعدام

- حکم اعدام در جامعه‌ای و توسط حکومتی به اجرا در می‌آید که قدرتمندان بر این باور باشند «همه گناهکاران باید مجازات شوند حتی اگر بی‌گناهی مجازات شود و بی‌گناهان مجازات شوند فدای انسجام جامعه شده یا به بهشت می‌روند.» اما دیدگاه مقابل آن است که «اگر گناهکاری از مجازات فرار کند ، بهتر از این است که بی‌گناهی مجازات شود.»

دلایل معتقدان به اعدام

- باورمندان به حکم اعدام در ایران معتقدند که:
- افراد به صورت آزاد و مختارانه تصمیم می‌گیرند جانی و مجرم باشند و دیگران یا جامعه نقشی در این امر ندارند. به همین علت اگر مرتکب خلافی شوند تنها خود باید به تنهایی مجازات را متحمل شوند، از پرداخت خسارت تا زندان و حتی از دست دادن جان
- کشتن توسط افراد کاری غیر اخلاقی اما توسط حکومت اخلاقی است؛ اعمال خشونت در انحصار حکومت است.

دلایل معتقدان به اعدام

- وظیفه جامعه و دولت تنبیه مجرمان است و نه ترمیم و بازپروری آنها
- امنیت جامعه با مشت آهنین برقرار می‌شود و نه مسامحه و تساهل با شهروندان خاطی و غیرخاطی
- مجازات‌های خشن مثل اعدام و سنگسار و قطع دست و پا یا کور کردن چشم یا پرتاب از کوه موثرتر از مجازات‌های غیرخشن در تنبیه مجرمان و دادن اخطار به جامعه هستند.

دلایل منتقدان اعدام

- حکم اعدام فقط به مواردی که قتل عمد صورت گرفته محدود نمی‌شود بلکه در مواردی که شرع و حکومت صلاح بدانند نیز اعمال می‌شود حتی اگر فرد معدوم هیچ خشونت‌تی علیه کسی صورت نداده باشد (زنای محصنه، لواط، قاچاق مواد مخدر، مخالفت با حکومت و ایدئولوژی آن، یا عضویت در گروه‌های سیاسی مخالف)

دلایل منتقدان اعدام

- حسین میر محمد صادقی، معاون حقوقی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: «از اول انقلاب همه راهکارها را برای مجازات قاچاقچیان مواد مخدر تجربه کردیم. از راهکارهایی مثل اعزام به جزیره که خیلی سنگین نباشد تا اعدام برای قاچاق مواد مخدر. باید پرسید اعدام در قضیه مواد مخدر اولاً شرعی است؟ و ثانیاً بازدارنده بوده است یا نه؟ در مورد بازدارنده بودن، خودمان شاهد بودیم که نبوده است. گاه افراد بسیار زیادی یا اعدام شدند و یا در لیست اعدامی‌ها بوده‌اند اما عملاً از تعداد مواد مخدر، قاچاق و مصرف مواد مخدر کم نشده است. ...»

دلایل منتقدان اعدام

- می‌گویند هر تعزیر باید دون الحد باشد. بالاترین حد اعدام است بنابراین ما چطور می‌توانیم کسی را برای ۵ گرم مواد هروئین یا هر چیزی که دارد اعدام کنیم. اگر حد است تحت چه عنوانی حد است. اگر هم حد نیست و تعزیر است پس تعزیر نمی‌تواند اعدام باشد. تعزیر باید کمتر از اعدام باشد. بنابراین به نظر من این خودپیش‌بینی اعدام برای خیلی از مجازات جرائم مرتبط با مواد مخدر شاید خیلی مبنای شرعی نداشته باشد. می‌گویند که این از مصادیق افساد فی الارض است که ما راجع به خود آن هم بحث داریم که آیا افساد فی الارض چیزی غیر از محاربه است؟» (خبر آنلاین، ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۳)

دلایل منتقدان اعدام

- صدور حکم اعدام توسط قاضی به همان اندازه جدیت دارد که صدور برگه جریمه توسط مامور راهنمایی و رانندگی
- رعایت آیین دادرسی نه تنها در مواردی که به صدور حکم اعدام منجر نمی‌شود بلکه در مواردی که منجر به صدور حکم اعدام می‌شود دل‌بخواهی است و به قاضی بستگی دارد.
- در هر صورت مجازات‌های خشن بر حبس و زندانی کردن یا جریمه مالی ارجحیت دارند.

سه گزاره مبنای علنی بودن این حکم

- در معرض خشونت قرار دادن مردم هیچ حد و مرزی ندارد. (درست در برابر عشق و روابط صمیمانه)
- مجازات‌های شدید بالاخص در ملا عام موجب بیدار شدن وجدان اخلاقی مردم می‌شود.
- مجازات علنی موجب بازدارندگی می‌شود. مجازات علنی اعدام یا دیگر مجازات‌های خشن هشداردهنده‌ترین مجازات‌ها به حوزه عمومی هستند.

پرسش‌ها تا اینجای بحث

- آیا جنایت و مکافات باید با هم توازن داشته باشند؟
- کشورهایی که در بالای فهرست اعدام هستند چه مشترکاتی دارند؟
- مقتضای اخلاق و حقوق در این باب چیست؟ (حقوق ترمیمی یا حقوق تنبیهی)
- دلایل معتقدان به اعدام را در جامعه‌ای مذهبی و در چارچوب یک دین خاص ارزیابی کنید.
- دلایل منتقدان به اعدام در چارچوب کدام دین قابل قبول می‌شود.

مشکلات حکم اعدام

- در برابر هریک از گزاره‌های فوق دیدگاه‌های متقابلی وجود دارد که مخالفان اعدام از آن‌ها بر مبنای اخلاق و فلسفه حقوق و نیز کارایی عملی بر اساس آمارها و اطلاعات موجود دفاع می‌کنند. این دیدگاه‌ها بدین قرارند:
- خانواده و مدرسه و محله و جامعه بزرگتر و سیاست‌ها و قوانین جاری نقشی محوری در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند و نمی‌توان افراد را به تنهایی مسئول همه تخلفات و جرائم‌شان دانست.
- کشتن توسط حکومت و به نحو عمدی غیر اخلاقی‌تر از کشتن به دست افراد است چون این امر به نحو جمعی و کاملاً آگاهانه و با عنوان مجازات انجام می‌گیرد.

مشکلات حکم اعدام

- دولت و جامعه موظف به ترمیم افراد و بازپروری آنها هستند. مجازات نیز بیش از تنبیه باید ترمیمی باشد. از همین جهت نوع و شدت و زمان و مکان مجازات باید بر اساس رهیافت ترمیمی برای مجرم یا متخلف تعیین شوند.
- امنیت جامعه با مدارا و تساهل و پیوندهای اجتماعی مبتنی بر آنها ایجاد می‌شود. مشت آهنین امنیت قبرستانی ایجاد می‌کند و نه امنیت در عین حیات فعال و پویای اجتماعی و احساس آزادی.

مشکلات حکم اعدام

- مجازات‌های خشن در بسیاری از جوامع تاثیر مثبتی بر کاهش جرم نداشته‌اند. کاهش جرم موضوعی است که به متغیرهای بسیاری وابسته است که مجازات و نوع آن یکی از آنها است.
- حتی در جوامعی که حکم اعدام به دلایل فرهنگی و اجتماعی قابل حذف نیست باید آن را به جانیانی که آگاهانه مرتکب قتل عمد می‌شوند محدود و در صورت آماده کردن فضای اجتماعی آن را به حبس ابد تبدیل کرد؛ هیچ جرمی به جز کشتن دیگران با کشتن یک انسان برابری نمی‌کند.

مشکلات حکم اعدام

- در مورد صدور حکم اعدام باید فرایند آیین دادرسی با دقت کامل انجام گیرد و در مراحل متفاوت از نظر قضات مجرب بگذرد. بازگشت ناپذیر بودن حکم اعدام تدقیق در صدور این حکم را ضروری می‌کند.
- قاضی فقط یکی از ده‌ها فرد درگیر در فرایند تحقیق و صدور حکم است و نظری وی برای صدور حکم اعدام کفایت نمی‌کند.
- در منظر حقوق ترمیمی، مجازات‌های غیرخشن بر مجازات‌های خشن ارجحیت دارند چون هرچه خشونت خواه دولتی و خواه غیردولتی کمتر باشد جامعه از آن فاصله بیشتری می‌گیرد.
- حتی اگر قرار است مجازات اعدام انجام شود باید با کمترین خشونت و درد برای فرد مورد اعدام همراه باشد.

سه مشکل بنیادی اعدام در ملاعام

- جامعه هرچه کمتر باید در معرض خشونت و هر چه بیشتر در معرض عشق و دوستی و صلح قرار گیرد.
- وجدان اخلاقی مردم با تنبیه‌های خشن بیدار نمی‌شود بلکه دچار ضربه سهمگین می‌شود. وجدان افراد با دیدن اعمال اخلاقی بیدار می‌شود و نه با دیدن خشونت.
- هیچ دلیل علمی برای بازدارندگی خشونت از جرم به طور کلی وجود ندارد؛ مجازات‌های خشن هشدار نمی‌دهند بلکه هزینه را برای فرد و دولت و جامعه بالا می‌برند.

اعدام و افکار عمومی

- در صورت باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی در ایران، موافقان و مخالفان اعدام راهی بلند برای طرح تفصیلی نکات فوق و قانع کردن مخاطبان خود برای هر یک از طرفین این دیدگاه‌ها دارند. دستگاه‌های قانون‌گذاری و قضایی در یک جامعه دموکراتیک بر اساس این مباحث به یکی از دو طرف یا ترکیبی از دیدگاه‌های هر دو تمایل خواهد یافت.

عدالت سریع‌السير و اعدام سرپایی: اعدام در ایران ناعادلانه و غیراخلاقی است

- درست پنج روز پس از عملیات انتحاری در چابهار و کشته شدن حدود چهل تن از شهروندان ایرانی، حکومت یازده نفر زندانی منسوب به جنرال‌الله را اعدام کرد. این که فرایندهای قضایی مربوط به صدور حکم اعدام در مورد این افراد به شدت مورد تردید است. در کشورهایی با نظام قضایی مستقل و رعایت آیین دادرسی که هنوز حکم اعدام اجرا می‌شود (مثل ایالات متحده)، به طور متوسط از زمان وقوع جرم تا اجرای حکم اعدام حدود هشت سال طول می‌کشد.

اعدام ناعادلانه و غیر اخلاقی

- از دادگاه بدوی تا استیناف و دیوان عالی، فرایند بسیار کند جمع‌آوری شواهد و شهادت شهود، انتقال پرونده از نظام قضایی ایالتی به دستگاه فدرال (یا از دولت محلی به دولت مرکزی)، و تدقیق در همه موارد و جزئیات (مثل اطمینان‌یابی از عدم تعصب اعضای هیئت منصفه تا به روز بودن تاریخ مصرف داروی سمی) سال‌ها طول می‌کشد. برگشت‌ناپذیر بودن اعدام پس از یافتن خطا در فرایند قضایی این زمان طولانی و هزینه‌بر بودن این فرایند را توجیه می‌کند.

جهت‌دار بودن قاضی

- حتی اگر فردی به مجازات اعدام برای برخی از جرائم بسیار خشن (قتل عمد بر اساس برنامه‌ریزی، راه‌زنی مسلحانه منجر به قتل، بمب‌گذاری) باور داشته باشد، به هفت دلیل مشخص مجازات اعدام و قصاص نفس در ایران امروز ناعادلانه و غیراخلاقی است:
- رسیدن به حکم (چه به صورت فردی و جمعی) آمیخته است با گرایش‌های ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی و جنسی. قاضی شیعه که در استان سیستان و بلوچستان و کردستان و ترکمن صحرا حکم صادر می‌کند، قاضی شیعه غیرهمجنس‌گرا که در مورد فردی همجنس‌گرا حکم می‌دهد، قاضی مرد شیعه که زنی را به سنگسار محکوم می‌کند، و قاضی اقتدارگرای نظامی‌گرا که برای یک فعال سیاسی مخالف اسلام‌گرایی حکم اعدام می‌دهد، نمی‌تواند علیه متهم گرایش منفی نداشته باشد.

فقدان هیئت منصفه

- فقدان هیئت منصفه در نظام قضایی ایران و سپردن همه فرایند قضایی به یک نفر امکان آمیخته بودن احکام با تعصب جنسی، مذهبی، قومی و ایدئولوژیک را بسیار افزایش داده است. در نظام قضایی ایران هیچ تدبیری برای کاهش این جهت‌گیری‌ها و تعصبات که در برخی موارد ناگزیر می‌شوند وجود ندارد.

اعدام به عنوان ابزار

- دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از بدنام‌ترین بخش‌های حکومت دینی است. کارایی بسیار پایین حتی در مقایسه با قوه مجریه، بالا بودن میزان فساد (رشوه و حاکمیت روابط در صدور احکام)، نقض عادی‌ترین قوانین مربوطه و نادیده گرفتن آیین‌های دادرسی که در همین نظام (با هزاران تبصره به نفع حاکمیت) تصویب شده‌اند، نیروی انسانی اکثراً ناشایست (به واسطه ارتقای بازجویان و طلاب مبتدی به مقام‌های قضایی)، ناسازگاری در احکام صادره، اجرای احکام سبعانه شریعت، و رواج شکنجه و تجاوز در توهین و تحقیر زندانیان در ادارات تحت این قوه، دستگاه قضایی را به جای پناهگاهی برای استیفای حق به دژی برای مجازات منتقدان حاکمیت و حفظ منافع طبقه حاکم تبدیل کرده است.

اعدام به عنوان ابزار

- در چنین شرایطی مسئولان این قوه به نوعی نمایش قدرت با محکومیت افراد در موارد قتل نفس برای اثبات کارایی و قاطعیت خود نیاز دارند. این نمایش قدرت نه در حل به موقع و عادلانه (صوری و محتوایی) تنازعات و نه در رسیدگی به نقض حقوق مردم بلکه با تهدید کوچکترین درصدی از مجرمان که جامعه به هیچ وجه نمی‌تواند با جرم آن‌ها همدلی کند انجام می‌گیرد. این نمایش اقتدار قرار است همانند گذشته با احکام اعدام سرپایی و سریع‌السير بدون نگاهی به آیین دادرسی تنظیم شده توسط مقامات همین نظام انجام گیرد: «تمامی متجاوزین به عنف و سارقان مسلح بدانند این اقدامات از نظر قانون محاربه تشخیص داده شده و قوه قضائیه در کمتر از یک‌ماه به پرونده آن‌ها را رسیدگی می‌کند و بدون شک حکم‌شان اعدام است.» (صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه، تابناک، ۱۷ آذر ۱۳۸۹)

اعدام سرپایی به عنوان بخشی از سیاست ترس

- یک ماه از زمان وقوع جرم تا اعدام زمانی بسیار کوتاه در عرف قضایی در همه کشورهای دنیا از جمله ایران است. فرایند قضایی یک ماهه برای صدور حکم اعدام یعنی دادگاه سرپایی، آن هم در یک نظام قضایی که هر ساله باید به میلیون‌ها پرونده رسیدگی کند و همیشه با تاخیر پرونده‌ها را بررسی می‌کند. این زمان کوتاه صرفاً به عنوان بخشی از سیاست ترس قابل فهم است.

اعدام سرپایی

- صدور احکام سرپایی اعدام در جمهوری اسلامی نه استثنا بلکه قاعده است: «در جلسه دادگاهم که در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی مهاباد به ریاست قاضی خدادادی انجام گرفت، قبل از اینکه قاضی اسم و فامیل مرا پرسیده و شروع به طرح سوالی بکند، بلادرنگ به بنده گفتم، چرا با ماموران همکاری نکرده‌ای، اگر بالاتر از اعدام هم حکمی بود به شما می‌دادم. حتماً طناب اعدام را به گردنت می‌اندازم و بعد گفت دادگاه شما تمام شد. در آن اولین و آخرین جلسه دادگاهم فقط قاضی خدادادی لایحه دفاعیه‌ای که وکیل نوشته بود را گرفت و دادگاه را مختومه اعلام نمود.» (نامه حبیب‌الله گلپری‌پور، محکوم به اعدام، به خامنه‌ای، هرانا، ۲۷ آذر ۱۳۸۹)
- احکامی که بدین ترتیب صادر می‌شوند، آمیخته‌اند با القای ترس و اضطراب عمومی و انتظار واکنش به آن با شور و شوق به خشونت و مرگ، تا چرخه باطل خشونت به خوبی عمل کند.

آلودگی به سیاست

- اعلام اعدام‌های یک ماهه از سوی رئیس قوه قضاییه و کشتار جمعی متهمان بمب‌گذاری در کمتر از یک هفته با هدف سلب بخشی از بی‌اعتمادی‌ها به قوه قضاییه و نمایش قاطعیت این قوه صورت گرفت اما این مدعا بر بی‌اعتمادی به این قوه می‌افزاید به سه دلیل:
 - (۱) هیچ پرونده‌ای پنج روزه یا یک ماهه به نتیجه نخواهد رسید.
 - (۲) حتی اگر افرادی در این مدت کوتاه محاکمه و اعدام شوند آن قدر در این فرایند ابهام و اشتباه خواهد بود که از کیسه اعتماد به این قوه خواهد کاست، و
 - (۳) این تهدید و حتی آن وعده به هیچ‌وجه بر امنیت جامعه نخواهند افزود تا اعتماد را باشد.

اعدام آلوده به سیاست

- در کنار اعدام‌های سرپایی آمیخته با سیاست، از اعدام برای تاثیرگذاری در فرایندهای سیاسی نیز استفاده می‌شود.
- حاکمان در مورد زمان اجرای اعدام به گونه‌ای تصمیم گرفته‌اند که پیش از اعتراضات محتمل مخالفان را مرعوب سازند.
- تعیین زمان اعدام افراد محکوم درست قبل از ۱۶ آذر ۸۸ یا پیش از وقوع تظاهرات اعتراضی صرفاً برای دادن این پیام به مخالفان بود که حکومت به راحتی اعدام می‌کند.

اعدام آلوده به سیاست

- مقامات قوه قضاییه در دو پرونده شهلا جاهد و سکینه محمدی آشتیانی نشان دادند که علی‌رغم ادعاها بر اساس روال‌های قضایی و استقلال مفروض عمل نمی‌کنند بلکه تابع جو و شرایط سیاسی روز هستند.
- در پرونده سکینه به خاطر فشار جهانی همه ادعاهای قبلی زیر پا گذاشته شد و حکم سنگسار فردی که مرتباً از سوی رسانه‌های دولتی زناکار و قاتل معرفی می‌شد موقتاً کنار گذاشته شد.
- شهلا که هزار اما و اگر در مورد پرونده او مطرح بود به خاطر فقدان این فشار سیاسی اعدام شد.

اعدام آلوده به سیاست

- سرانجام دو پرونده فوق نشان داد که احکام اعدام و سنگسار صادره در دادگاه اولیه سرپایی بوده‌اند، اما سنگسار به دلیل فشار دولت‌ها و افکار عمومی بین‌المللی اجرا نمی‌شود در حالی که حکم اعدام علی‌رغم توقف، در مراحل بعدی اجرا می‌شود.
- احکام اعدام و سنگسار و قطع دست و پا و کور کردن چشم (زندان‌زدایی) در دادگاه‌های سرپایی سیاست اولیه و جدی قوه قضاییه است و اگر در موردی این احکام اجرا نمی‌شوند باید به دنبال دلیل آن گشت.

فشل بودن دستگاه قضایی

- مشکلاتی بنیادی در نظام قضایی و انتظامی ایران وجود دارد که اجرای هر حکمی بالاخص حکم اعدام را ناعادلانه و غیر اخلاقی می‌کند.
- قضات کشور (روحانیون و بازجویان) با آیین دادرسی سر سازگاری ندارند و برای رعایت آن آموزش نمی‌بینند.
- عدم رعایت قوانین مثل حق داشتن وکیل در فرایند تحقیق و بازجویی یا اعلام جرم متهم پس از ۲۴ ساعت از زمان بازداشت
- ضرب و شتم و شکنجه بخشی عادی و سنتی از فرایند بازجویی است. از این جهت اقرار که مهم‌ترین مواد را برای صدور حکم در ایران فراهم می‌آورد از نظر قضایی بی‌ارزش است.
- دستگاه قضایی بر اساس جمع‌آوری قرائن و شواهد و نگاه علمی جرم‌شناسانه اداره نمی‌شود بلکه ملاک، علم قاضی (ناشی از اقرارگیری) است.

علیه اخلاق

- توجیہات شرعی مثل قصاص کہ ظاہری عادلانہ (نفس در برابر نفس، چشم در برابر چشم) دارند در باطن امری غیر اخلاقی اند۔ اگر کشتن یا کور کردن دیگران عملی خلاف و غیر اخلاقی است انجام این اعمال توسط دولت یا صاحب دم نیز غیر اخلاقی است۔
- بہ همان اندازہ کہ کشتن چہل نفر در یک عملیات انتحاری شقاوت آمیز و جنایت کارانہ است کشتن یازدہ نفر در یک روز نیز کشتار جمعی و قساوت مندانہ است۔
- کشتار دولت و بمب گذار انتحاری در یک مرتبہ از تنزل اخلاقی قرار می گیرند، با این تفاوت کہ دولت در این موارد باید مسئولیت بیشتری احساس کند۔
- در مورد تجاوز بہ عنف میان دو مرد، مقابلہ بہ مثل همانا تجاوز بہ عنف دیگری است کہ بہ عنوان مجازات در نظر گرفتہ نشدہ است اما کوری چشم (مورد حکم اسیدپاشی) یا قتل با مقابلہ بہ مثل پاسخ می شود۔

سیاست زندان زدایی

- اعدام‌های دسته‌جمعی محکومان دادگاه‌های سرپایی در مشهد وجه دیگری از سیاست زندان زدایی است.
- سیاست زندان زدایی در دوره ریاست هاشمی شاهرودی آغاز شد و در دوره لاریجانی ادامه یافت.
- بسیاری از اعدام‌ها نه به خاطر عدالت و نه بر اساس طی شدن فرایندهای قضایی بلکه برای خالی کردن زندان‌ها و کاهش هزینه‌های دولت صورت می‌گیرد.
- همواره بر تعداد زندانیان در کشور افزوده شده و شرایط داخل زندان برای آن‌ها بهبود نیافته است.

پرسش‌های آخر جلسه

- دلایل دو طرف را در باب اعدام در ملاعام و در پشت درهای بسته بیان کنید.
- سیاست چگونه در موضوع اعدام وارد می‌شود؟
- آیا اعدام به کاهش زندانیان می‌انجامد؟
- آیا رد موضوع قصاص، واقعا خانواده و اولیای دم مقتول هستند که تصمیم می‌گیرند؟

حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان
- E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز
- E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با
- E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.

